



دلایلی چند بر محکومیت بمباران شیمیایی سردشت...

■ عثمان مزین: مدرس دانشگاه و دبیر کمیته حقوقی
انجمن حمایت از مصدومین شیمیایی سردشت

جنگ و درگیری هستند؛ لذا تلاش می‌کنند تا بتدوین مقررات گوناگون، تحدیدات فراوانی را برای جنگ طلبان ایجاد و جنگ را در هر شرایطی ممنوع کنند. تحقق اهداف و آرزوی قائلین به این دیدگاه در شرایط فعلی محال است و انسان به دلایلی تاکنون نتوانسته مانع همیشگی در مقابل جنگ طلبان ایجاد کند. حقوق جنگ سعی می‌کند جنگ و اصول حاکم بر آن را نظام مند و مقررات و اصولی را وضع کند که طرفین درگیر در چهارچوب اصول مدون به جنگ و پیکار با هم بپردازند. پس «حقوق» و «جنگ» به هم نزدیک شده و تا حدودی سر سازگاری پیدا کرده‌اند و مؤید این واقعیت هستند که بروز جنگ و درگیری به معنای کنار گذاشتن حقوق نیست و دانش حقوقی در زمان جنگ نیز تأثیر گذار است. قواعد بین‌المللی است و الزام طرفین درگیر نسبت به رعایت قواعد آن به معنی پذیرش جنگ به عنوان یک واقعیت موجود در نظام بین‌المللی است و حقوق جنگ سعی می‌کند از اثرات و خرابیهای ناشی از جنگ بکاهد و ضمانتهایی هر چند ناچیز را به منظور ایجاد موانع در سر راه استفاده از هر گونه سلاح کشتار جمعی انسانها به وجود آورد. در یک عبارت، اهتمام «حقوق جنگ»، برقراری و تدوین اصول مربوط به «حقوق صلح» است. میثاق جامعه ملل و بعدها منشور سازمان ملل متحد، صراحتاً کشورها را از توسل به جنگ بر حذر داشته و احکام صادره از دادگاههای «نونبرگ» و «توکيو»، آشکارا سرنوشت متوسلین به جنگ و افراد جنگ افروز را رقم زده است. مقررات بین‌المللی، جنگ را امری نامشروع می‌دانند. تمامی مدارک و اسناد بین‌المللی، جنگ را یک جنایت می‌دانند و طبعاً جنگ افروزان نیز جنایتکار شناخته می‌شوند. در تعاقب این گونه تفکرات بود که دادگاههایی موسوم به دادگاه جنایتکاران جنگی ایجاد و مقررات مربوط به ممنوعیت جنگ از حالت نوشته خارج و در مقام عمل به اجرا گذاشته شدند. دادگاه جنایتکاران جنگی، برخی از افراد را پشت میز محاکمه کشاند و آنان را به جوارگی در برهه جنایتشان ادار کرد. اهتمام حقوق جنگ در جهت برقراری نزدیکی بین ضروریات جنگ و عواطف و اندیشه‌های صلح طلبانه بشر است تا حدوث جنگ موجب نقض اهداف معنایی انسان نشود. به موجب ماده ۲۲ عهدنامه چهارم کنفرانس لاهه (سال

شده‌اند و انتشار این مواد موجب مرگ یا ضایعات دائمی یا موقتی در ساختار اندامی انسان، حیوان و گیاه می‌شوند؛ اما عوامل بیولوژیکال به صورت باکتری، قارچ، ویروس و یا میکروبی هستند که خود یا مواد مترشحه از آنان به تدریج موجب نابودی انسان، حیوان یا گیاهان می‌شوند.

با توجه به زنده بودن مواد بیولوژیک، آنان در بدن موجود زنده باقی می‌مانند و به مناطق مختلف و به مسافتهای دور منتقل می‌شوند؛ اما مواد شیمیایی فاقد این قدرت هستند و صرفاً در مکان توزیع شده، موجب کشتار و نابودی

هدف اصلی و اساسی در هر جنگی، به دست آوردن پیروزی است. طرفهای درگیر به انحاء مختلف سعی می‌کنند در خاتمه جنگ به عنوان نیروهای غالب شناخته شوند، لذا برای رسیدن به آن از تمامی راهکارها و قابلیت‌های خود استفاده می‌کنند.

جنگ هشت ساله ایران و عراق از ویرانگرترین جنگهای منطقه و دهه‌های اخیر است که آثار سوئی را برای هر دو طرف بر جای گذاشته است. هر چند آغازگر بودن کشور عراق و تأیید متجاوز بودن وی طی گزارشات منتشره سازمان ملل متحد برای مسئول شناختن دولت عراق کافی است، اما بررسی اقدامات صورت گرفته توسط حاکمان عراق، علاوه بر افزایش آگاهی نسبت به زوایای آن، موجب خواهد بود تا راهکارهایی برای جلوگیری یا کاهش اقدامات مشابه توسط حاکمان جبار اتخاذ گردد.

اگر با دید حقوقی به جنایات صدام حسین و هیئت حاکمه عراق نگریسته شود، بسیاری از حقایق روشن و طرق جبران خسارت وارده یا راهکارهای مناسب به منظور جلوگیری از تکرار این گونه جنایات مشخص می‌شوند.

سلاح شیمیایی چیست؟

در بیشتر نوشته‌ها یا گفته‌ها، دو سلاح شیمیایی و بیولوژیک به یک معنا و مفهوم در نظر گرفته شده و توجه لازم به تفاوتی آنها نشده است. هر چند این دو سلاح از لحاظ نتیجه حاصله (کشتار وسیع و دسته جمعی) شبیه به هم هستند، اما از جهات فنی و حقوقی با هم متفاوتند. قبح استفاده از سلاحهای بیولوژیک و نهبی مقررات بین‌المللی بر استفاده از این گونه تسلیحات شدیدتر است.

عوامل شیمیایی به ترکیباتی اطلاق می‌شود که در صورت کاربرد مؤثر علیه انسان، حیوان یا گیاه، منجر به مرگ یا ضایعات قابل توجه دائمی یا موقتی در ساختار اندامی آنها می‌شود. «اما مواد بیولوژیک مشتمل بر ارگانیسمهای زنده، قطع نظر از ماهیت یا مواد عفونی مشتق شده از آنهاست که باعث بیماری یا مرگ انسانها، حیوانات یا گیاهان می‌شود و اثر آنها برای تحت تأثیر قرار دادن ارگانیسم یک شخص، حیوان یا گیاه، به قدرت تخریبی آنها بستگی دارد.» پس مواد شیمیایی عواملی هستند که به صورت جامد، مایع یا گاز تهیه

با توجه به زنده بودن مواد بیولوژیک، آنان در بدن موجود زنده باقی می‌مانند و به مناطق مختلف و به مسافتهای دور منتقل می‌شوند؛ اما مواد شیمیایی فاقد این قدرت هستند و صرفاً در مکان توزیع شده، موجب کشتار و نابودی می‌شوند؛ در نتیجه از دیدگاه حقوقی نیز استعمال و کاربرد سلاحهای بیولوژیک مذموم تر است.

بر اساس پژوهشهای کارشناسان مربوطه، تسلیحات کشتار جمعی به کار رفته توسط حکومت بعث عراق از نوع تسلیحات شیمیایی بوده‌اند.

۱. نقض فاحش حقوق جنگ:

بسیاری از صلح طلبان، خواستار رسیدن به دنیایی عاری از



حملات نظامی، بیشتر به قصد تصرف سرزمین دشمن یا بازپسگیری مناطق از دست رفته قبلی، صورت می‌گیرند. از بعد نظامی، حمله به شهرستان مرزی سردشت به قصد بازپسگیری آن نبوده، چون این شهر یک شهر ایرانی محسوب می‌شود و حتی یک نفر از نیروهای عراقی وارد این شهر نشده و آن را تصرف نکرده بودند. فراتر از این، نیروهای عراقی در سال ۶۶ بر نامه‌ای برای ورود به خاک ایران نداشتند و لذا قصد تصرف سردشت نیز در میان نبوده است. حکومت عراق در حمله به سردشت مقاصد دیگری داشته است که برخی از آنها عبارتند از:

حملات نظامی، بیشتر به قصد تصرف سرزمین دشمن یا بازپسگیری مناطق از دست رفته قبلی، صورت می‌گیرند. از بعد نظامی، حمله به شهرستان مرزی سردشت به قصد بازپسگیری آن نبوده، چون این شهر یک شهر ایرانی محسوب می‌شود و حتی یک نفر از نیروهای عراقی وارد این شهر نشده و آن را تصرف نکرده بودند. فراتر از این، نیروهای عراقی در سال ۶۶ بر نامه‌ای برای ورود به خاک ایران نداشتند و لذا قصد تصرف سردشت نیز در میان نبوده است. حکومت عراق در حمله به سردشت مقاصد دیگری داشته است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. اثبات عصبیت بعثی، دشمنی دیرینه با ملت کرد، ایجاد سردرگمی در بین نظامیان ایران، کاستن از توجه نیروهای ایرانی به جبهه‌های جنوب که در آن جبهه‌ها، نیروهای عراقی شکستهای فجیعی را متحمل شده بودند.

۲. اصطلاح «غیر نظامی» باید به طور موع تسخیر شود و در آن «موقعیت» مورد توجه قرار گیرد. این اصطلاح، نیروهای مسلح و نیروهای مدافعی را هم که به دلیل جراحت، بیماری، مرخصی، ... دست از جنگ کشیده‌اند، در برمی‌گیرد و نیروهای پلیس و یا نیروهای دفاعی محلی هم غیر نظامی تلقی می‌شوند. لذا هر گاه جمعیت غیر نظامی مورد تجاوز یا حمله قرار گیرد، از لحاظ مقررات حقوق بین‌الملل، جرم و جنایت جنگی محسوب می‌شود. در صورت استفاده از سلاحهای شیمیایی، با توجه به نابودی و مصدومیت تمامی افراد حاضر، به سختی می‌توان از ورود صدمه به غیر نظامیان خودداری کرد و تفکیک غیر نظامیان از نظامیان غیر ممکن است. معمولاً افراد نظامی آموزشهای لازم از کافی درباره نحوه مواجهه با سلاحهای شیمیایی را فرا گرفته‌اند، اما غیر نظامیان فاقد آگاهی و دانش لازم هستند، در نتیجه افراد غیر نظامی در برابر حملات شیمیایی آسیب پذیرند. بر اساس اعترافات و اظهارات مقامات عراقی و گزارشهای منتشره توسط هیئت‌های خارجی، مدارک و اسناد سازمان ملل و ... بیشترین مناطق مورد حمله توسط گازهای شیمیایی، مناطق غیر نظامی و مسکونی بوده و در مواردی هم که به اهداف نظامی حمله شده، اغلب افراد غیر نظامی صدمه دیده‌اند، در حالیکه حتی یک گزارش مبنی بر استفاده نیروهای ایرانی از این گونه تسلیحات دریافت نشده است.

و کلام آخر:

صدام حسین و اعوان و انصار وی به شهرهای عراق هم رحم نکردند و در شدیدترین حمله، شهر حلبچه را با خطرناک‌ترین و پیشرفته‌ترین نوع گاز سیانور بمباران کردند. کشور ایران با اعزام مصدومین شیمیایی به کشورهای اروپایی، علاوه بر مداوی آنان، سعی کرد جهانیان را با جنایات صورت گرفته علیه ایرانیان آشنا سازد. مسئولین ایرانی در برگزاری کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح شیمیایی در پاریس (ژانویه ۱۹۸۹) نقش مؤثری داشتند و اقدام به افشاکاری کردند. این افشاکاریها نقش سازنده‌ای در انعقاد کنوانسیون ۱۹۹۳ پاریس درباره منع توسعه، تولید، ذخیره سازی و به کارگیری سلاحهای شیمیایی و لزوم انهدام آنها داشت. هر چند این کنوانسیون، کشورها را ملزم به نابودی کامل تسلیحات شیمیایی نمی‌کند، اما گامی است مؤثر در راستای نیل به جهان عاری از سلاح شیمیایی.

جنگ ضروری و لازم‌اند؟ این اثرات، لازمه جنگ و درگیری نیستند، بلکه زائد و غیر ضرورند، هر چند کشتن و سلب حیات صراحتاً ممنوع نشده، اما حقوق بین‌الملل، کشتن نیروهای متخاصم و دشمن را در هر شرایطی

نمی‌پذیرد. بدیهی است که صدمات زائدی که موجب مرگ تدریجی می‌شوند در برخی از آنها اشاره شد، اقیح هستند. به موجب ماده ۲ کنوانسیون منع به کارگیری سلاحهای شیمیایی مصوب ۱۹۲۵ میلادی استفاده از تسلیحات شیمیایی حتی در جبهه‌های جنگ و علیه نیروهای نظامی ممنوع و استفاده کننده از آن قابل تعقیب است پس به طریق اولی استفاده از این تسلیحات در مناطق مسکونی قبیح تر است.

جنایات صورت گرفته علیه مردم سردشت فاجعه‌ای است بس عظیم و هدف اصلی این انجمن علاوه بر احقاق حقوق کشته شدگان و مصدومین، آشنایی جهانیان با فاجعه و جلوگیری از تکرار آن در دیگر نقاط است.

۳. در نظر نگرفتن تفاوت بین نظامیان و غیر نظامیان: «جنگ به هیچ وجه رابطه انسان با انسان نیست، بلکه رابطه دولت با دولت است و افراد خصوصی به گونه‌ای اتفاقی دشمن یکدیگر شده‌اند و این نه به عنوان دو انسان بلکه به عنوان شهروند، نه به عنوان اعضای یک میهن، بلکه به عنوان مدافع» در جریان جنگی که دو دولت با هم درگیر می‌شوند و رزمندگان و نیروهای نظامی خود را برای جنگ به جبهه‌ها گسیل می‌دارند، افراد غیر نظامی که زرمند نیستند؛ دخالتی ندارند و نباید آثار سوء جنگ دامنگیر آنها شود. طبق مقررات وضع شده در سال ۱۸۶۴ (کنفرانس بروکسل) و سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ (کنفرانس لاهه)، کشورهای متخاصم ملزم شده‌اند که از سرایت جنگ به افراد غیر نظامی خودداری و افراد غیر نظامی را از صحنه درگیری خارج کنند. علاوه بر آن از گسترش جبهه‌های جنگ به مناطق مسکونی منع شده‌اند.

علاوه بر آن کشوری که در یک یا چند جبهه درگیر است و تمامی نیروی خود را مصرف جبهه‌های مورد نظر می‌کند، چنانچه به ناگاه و از نواحی دیگر مورد حمله قرار گیرد، با توجه به غیر قابل پیش بینی بودن آن حمله، شرایط دشواری به وجود می‌آید، مخصوصاً اگر منطقه مورد حمله، مسکونی و افراد حاضر در آن نیز غیر نظامی باشند. با در نظر گرفتن عدم آمادگی غیر نظامیان برای مواجهه با حمله به دشمن، کشور متخاصمی که در اثر حمله به مناطق غیر نظامی و کشتار افراد غیر زرمند برای خود پیروزی‌هایی را کسب کرده است، باید این پیروزی را دلیل ذالالت خود بداند نه مایه مباهات.

۱۹۰۷ (متخاصمان حق ندارند به هر وسیله‌ای برای زبان رساندن به دشمن متوسل شوند. پسند اول ماده ۳۵ پروتکل اول ۱۹۴۹، الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹، تصریح می‌کند که در هر درگیری و جنگ مسلحانه‌ای، طرفهای درگیر در انتخاب روشها یا وسایل جنگی اختیار مطلق و نامحدود ندارند. طبق مقررات مختلف حقوق بین‌الملل، در صورتی که ضرورت توسل به جنگ با

ملاحظات انسانی برخورد کند، این ضرورت کنار گذاشته می‌شود و خواسته‌ها و ملاحظات انسانی ارجح است و انتخاب توسل یا عدم توسل به جنگ به صلاحدید حاکمان و متخاصمان گذاشته نمی‌شود. بی‌شک استفاده از تسلیحات شیمیایی که موجب کشته شدن وسیع افراد و نیروهاست، از موارد نقض حقوق مخاصمان مسلحانه است که عواطف انسانی، اجازه استفاده از آنها را نمی‌دهد. استعمال این گونه سلاحها دهن کجی به

احساسات و عواطف جامعه انسانی تلقی می‌شود.

۲. ممنوعیت ایجاد بلا و مصائب زائد:

اصل مذکور مانع استفاده از هر گونه سلاح خطرناک در جنگ است. استفاده از سلاحهایی که باعث ایجاد درد ورنجهای زائد و غیر ضروری در نیروهای مقابل گردد، منع شده است. هدف عمده کاربرد اسلحه در جنگ، جلوگیری از پیروزی دشمن و شکست دادن وی است. چنانچه در زمان جنگ آسیب و رنجی به نیروهای دشمن وارد شود که با این هدف نامتناسب باشد و آثار اسلحه به کار رفته به زمان بعد از درگیری تسری پیدا کند، با در نظر گرفتن این واقعیت که مصائب ایجاد شده صرفاً محدود به زمان درگیری نیستند، غیر ضرور و زائد محسوب می‌شوند. در تأیید این ادعا بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل فوق‌الشارح می‌دارد: «ممنوعیت به کارگیری سلاحها و پرتاب شونده‌ها و مواد و همچنین

روشهای جنگی به نوعی که بلائی زائد ایجاد کند.»

حتی اگر بپذیریم که کشتن نیروی مقابل هدف اصلی و منع نشده جنگ است، آیا ایجاد سوختگیهای شدید، تاو لهایی دردناک، از دست دادن بینایی، تهوع، سرفه‌های شدید و درد آفر، مشکلات حاد ریوی، مرگهای سخت و جانگاز نابودی اعصاب و روان که در اثر بمباران شیمیایی به وجود می‌آیند، برای پیشبرد

